

آینه

لحن

تا اصلاحات زنده است جایی برای براندازی نیست

● سیدمحمد خاتمی با تشریح مشکلات موجود در کشور، به‌عنوان یک شهروند دوستدار ایران و اسلام به‌دلیل نقص‌ها و کمبودها، با همه وجود از مردم عذرخواهی و ۱۵ راهکار برای برون‌رفت از وضعیت کنونی ارائه کرد... رئیس دولت اصلاحات افزود: گرچه شاهد موج عظیمی از تبلیغ این دیدگاه هستیم، اما انفعال در دولت و حیرانی اصلاح‌طلبان در برابر این موج نیز مایه تعجب است و امروز خلاّ یک تیم قوی رسانه‌ای که مسائل را رصد کند و پاسخ‌گو باشد، بیش از هر زمان احساس می‌شود. امروز مشکلات زیادی گریبان‌گیر کشور است و ناکارآمدی حکومت برای حل مشکلات مردم هم مزیدبرعلت شده است... مجموعه این عوامل سبب بروز نوعی بی‌اعتمادی میان مردم نسبت به یکدیگر و نسبت به حاکمیت و حکومت شده است... ایران از ابتدای انقلاب تا به امروز انواع مشکلات را تجربه کرده، اما هرگز با بی‌اعتمادی گسترده مواجه نبوده‌ایم... باید چهارراهی اندیشید و در این مقطع نقش اصلاح‌طلبان کلیدی است و باید با ایثار و فداکاری و برای پیشرفت مردم و کشور و حل مشکلات از هیچ کوششی فروگذار نکنند... یکی از القانات خطرناک این است که نظام جمهوری اسلامی در فراپویشی است. این یک جنگ روانی است و نظام فرومنی‌باشد، زیرا علاوه بر ابزارهای مختلفی که برای حفظ خود دارد، همچنان در میان بخش‌های قابل‌توجهی از جامعه پایگاه دارد. مطالبه بخش‌های بسیار بزرگتری از جامعه نیز همچنان انقلاب، شورش و فروپاشی نیست، بلکه زندگی امن و برخوردار و آرام است و اگرچه ممکن است اعتقادی به جمهوری اسلامی هم نداشته باشند، اما خواهان آرامش و امنیت و برخورداری هستند... مطمئن باشید با دامن‌زدن به اعتراضات و تضعیف حکومت، هرج‌ومرج ایجاد خواهد شد و از دل آن دیکتاتوری جدیدزده‌مردمی بیرون خواهد آمد که ممکن است به تجزیه کشور بینجامد. این‌طور نیست که با ایجاد هرج‌ومرج به امید رفتن جمهوری اسلامی همه مشکلات حل شود. اقدامات بیرونی، زنگ خطر تجزیه ایران و ازایمان‌رفتن عظمت ایرانی را به صدا درآورده است... در عین دفاع از جمهوری اسلامی، فویا معتقدیم نظام هم باید اصلاح‌پذیر باشد و نمی‌شود بر مشکلات ساختاری، سیاسی و عملگردی فشاری کرد و تن به هیچ اصلاحی نداد... [بخشی از راهکارهای خاتمی]: حصر، استخوانی لای زخم است و بخش زیادی از جامعه را دلخور و ناامید کرده و هیچ فایده‌ای هم نداشته است. وقتی رهبری، حل مسئله را به شوری امنیت ارجاع می‌دهند، باید به سرعت این معضل حل شده، حصر شکسته و محدودیت‌ها برداشته شود. باید همه زندانیان سیاسی که در دستان به خون آلوده نیست و همدست عملی براندازان نیستند آزاد شوند. در شرایطی که دشمنان دندان‌های‌شان را نشان می‌دهند، متأسفانه شاهد افزایش اخطارها و احضارها و محاکمات پرخرف‌وحديث هستیم. کنترل و کاهش این احضارها و محاکمات کافی نیست، آزادی تمامی زندانیان سیاسی گره‌گشاست. اکثریت مردم، به‌ویژه ایرانیان خارج از کشور دلسوز ایران هستند و اینکه چقدر به جمهوری اسلامی اعتقاد دارند مهم نیست، چون اکثریت مردم ایران را سربلند می‌خواهند و حاضرند برای رسیدن به این سربلندی از جان مایه بگذارند... به‌عنوان یک شهروند دوستدار ایران و اسلام، به‌خاطر نقص‌ها و کمبودهای موجود، با همه وجود از مردم عذرخواهی می‌کنم. ما می‌توانستیم بهتر از این به ایران و ایرانی خدمت کنیم و امیدوارم شاهد ازین‌رفتن کاستی‌ها باشیم. با همه وجود از رهبری معظم درخواست می‌کنم که با فرمان و دستورات خود مسائل و مشکلاتی که امروز کشور را دچار چالش کرده حل فرمایند و معتقدم با وجود همه تحریم‌ها و مشکلات موجود این کشور می‌تواند به‌مراتب بهتر از این اداره شود.

● محمود صادقی، نماینده عضو فراکسیون امید،

به نیابت از برخی جریان‌های داخل مجلس که خود سوارند و صادقی را پیاده‌نظام اهداف خود ساخته‌اند، تاکنون بارها و در مواقعی که پنجه عدالت بر گلو ی مفسدین اقتصادی قرار گرفته بود، به میانه میدان آمده است تا با حمله به دستگاه قضا این مفسدین را از مهلکه نجات دهد؛ اما نکته قابل تامل ماجرا، هم‌نوایی صادقی با وزیر خارجه آمریکا در جوسازی و تهمت‌زدن علیه دستگاه قضایی کشور است. طرح چندباره شبهه کهنه و صدها بار جواب داده‌شده حساب‌های قوه قضائیه در روز گذشته و از سوی محمود صادقی مؤید نکته‌ای است که ذکر آن رفت، سؤال اینجاست که در این روزها و هنگام برخورد با مفسدین اقتصادی دلیل حمله یک فرد به دستگاه قضا چه می‌تواند باشد؟ سؤال را واضح‌تر می‌برسیم، آیا اگر فردی خود را در جنگ حامی جبهه خودی بداند، از پشت به نیروهای رزمنده خنجر می‌زند و نقش نفوذی دشمن را بازی می‌کند؟ این جواب منفی است.

● **کیهان**

● **دم خروس پیمپنواز مجلس بیرون ردا!**

● محمود صادقی، نماینده عضو فراکسیون امید، به نیابت از برخی جریان‌های داخل مجلس که خود سوارند و صادقی را پیاده‌نظام اهداف خود ساخته‌اند، تاکنون بارها و در مواقعی که پنجه عدالت بر گلو ی مفسدین اقتصادی قرار گرفته بود، به میانه میدان آمده است تا با حمله به دستگاه قضا این مفسدین را از مهلکه نجات دهد؛ اما نکته قابل تامل ماجرا، هم‌نوایی صادقی با وزیر خارجه آمریکا در جوسازی و تهمت‌زدن علیه دستگاه قضایی کشور است. طرح چندباره شبهه کهنه و صدها بار جواب داده‌شده حساب‌های قوه قضائیه در روز گذشته و از سوی محمود صادقی مؤید نکته‌ای است که ذکر آن رفت، سؤال اینجاست که در این روزها و هنگام برخورد با مفسدین اقتصادی دلیل حمله یک فرد به دستگاه قضا چه می‌تواند باشد؟ سؤال را واضح‌تر می‌برسیم، آیا اگر فردی خود را در جنگ حامی جبهه خودی بداند، از پشت به نیروهای رزمنده خنجر می‌زند و نقش نفوذی دشمن را بازی می‌کند؟ این جواب منفی است.

politics@sharghdaily.ir

● **ابن روزها در پی تلاطمات سیاسی و اقتصادی**

پرسشی مشترک، اذهان را به خود مشغول کرده است؛ وضعیت قوه مجریه در ایران را با چه مفهوم یا مفاهیمی می‌توان تبیین کرد. بحران کارآمدی، اختلال کارکردی یا...؟

ماهییم موردآشاره و البته برخی دیگر از مفاهیمی که در پرسش اشاره‌ای به آنها نشد، می‌توانند تا حدی به تصویر وضعیت امروز دولت در ایران کمک کنند اما گمان دارم که می‌توان از تعبیر دیگری هم کمک گرفت؛ ازاین جهت ترجیح می‌دهم از واژه «تعلیق» استفاده کنم و بگویم وضعیت دولت روحانی «تعلیق در تعلیق» است. این وضعیت را با استفاده از یک شعر عربی قدری بیشتر می‌شکافم. ناظم الغزالی در یکی از ترانه‌های خود می‌گوید: «... علی جسر المسیب سیبونی...». این عبارت یعنی آنکه فرد روی پل مسیب معطل مانده است. جالب است بدانید پل مسیب که بر رود دجله بسته شده، معلق است. یعنی فرد بر پل معلق، منتظر یار است اما خبری از او نیست. اکنون دولت روحانی در چنین وضعیتی است. برای مثال در حوزه پرتلاطم اقتصاد، ازیک‌طرف با متغیرهای بیرونی نظیر تحریم و... درگیر است و از طرف دیگر با سنگ اندازی‌های داخلی مواجه است؛ به‌نحوی که امکان تصمیم‌گیری و کنشگری از دولت سلب شده است و هرازگاهی موضعی رفیق اتخاذ می‌کند. آن‌هم به‌صورت دستوری. وضعیت در سیاست خارجی نیز به همین ترتیب است. دولت ازیک‌طرف با اقدامات ترامپ، تانیا‌هو و عربستان دست‌وپنجه نرم می‌کند و از طرف دیگر امکان مانور از او ستانده شده؛ تا حدی که در بعضی امور بین‌المللی به بازیگر درجه دوم تبدیل شده است.

● **وضعیت «تعلیق در تعلیق» چه عیوبی مرتب است؟**

شاید بنیادی‌ترین مشکل را بتوان دوگانگی دانست. برای مثال درباره اقتصاد، دولت بر پایه رصد وضعیت و با توجه به مکتب اقتصادی‌اش، تصمیمی را اتخاذ می‌کند اما نمی‌تواند آن را اجرایی کند و ناگزیر به‌صورت دستوری، تصمیمات دفعی صادر می‌کند. در سیاست خارجی نیز چنین است؛ وزارت‌خارجه بنا بر اجتهاد خود، روشی را در پیش می‌گیرد اما آن روش به دلایل مختلف به سرانجام نمی‌رسد. وضعیت «تعلیق در تعلیق» علاوه بر دولت، به‌طور مستقیم بر مردم نیز تأثیر منفی می‌گذارد، چنانکه می‌بینیم و می‌شنویم، قدرت تصمیم‌گیری مردم کم و کمتر می‌شود تا آنجا که عمق آینه‌نگری‌شان به یک روز ختم می‌شود.

● **چنانکه اشاره داشتید، وضعیت تعلیق در کنش و واکنش میان دو قطب صاحب قدرت به‌وجود می‌آید اما واضح است که تداوم آن اختلالانی را در پی دارد. باوجوداین آیا حفظ وضعیت تعلیق ارادی است؟**

بیبیند! به این سؤال با ذکر یک مثال پاسخ می‌دهم. چندین سال است وزارت علوم و سازمان سنجش به دلایل خاص خود از حذف کنکور سخن می‌گویند اما من می‌گویم کنکور حذف نشود ولی سؤالاتش به n سؤال m جوابی تبدیل شود؛ یعنی کنکور تا حدی کیفی شود. چنانچه سؤالات این‌گونه طرح شود، فرد نمی‌تواند با ترفندهای تست‌زنی گزینه درست را پیدا کند بلکه باید به موضوع سؤال مسلط باشد و بتواند به آن پاسخ دقیق بدهد. در دوره هاشمی، n سؤال و m جواب وجود داشت اما هرچه جلو آمدیم، mکم شد؛ یعنی مسئله‌ها به قوت خود باقی ماندند اما تنوع گزینه‌ها میان رفت و الان به نقطه‌ای رسیدیم که دیگر m وجود ندارد؛ یعنی دیگر گزینه‌ای نداریم. بنابراین در شرایط تعلیق عمل ارادی از کنترل خارج و بخشی از واقعیت محقق شده است. شما توجه کنید، امروز ترامپ می‌گوید بایاید و مذاکره کنید، پمپئو هم شروط دوازده‌گانه‌اش را مطرح می‌کند. چنانکه می‌بینیم گزینه مطلوب ما در میان گزینه‌ها وجود ندارد. این در حالی است که زمان اوباما چند گزینه داشتیم و می‌توانستیم مسئله را حل کنیم. این امکان وجود داشت که قرارداده‌ها سرچرت امضا شود و سرمایه و هواپیما و... در یک فرایند برگشت‌ناپذیر به زمین ایران بیاید. ایران در دوره خاتمی و روحانی پیش‌ترامپ هم گزینه روی میز و هم گزینه زیرمیز داشت اما امروز خودمان به دست خودمان گزینه‌ها را از بین برده‌ایم. دقیقاً مشابه شرایط جنگ ایران و عراق. ما می‌توانستیم پس از آزادسازی

● **سید جباریان در گفت‌وگو با «شرق»**

دولت در وضعیت تعلیق در تعلیق است



عکس عرفان کوبانی، تسنیم

● **شرق: برای بررسی وضعیتی که دولت روحانی درگیر آن شده و شرایطی که پیش‌روی او قرار دارد، با سعید جباریان گفت‌وگو کردیم. در این گفت‌وگو جباریان به تبیین ماهیت دولت در جمهوری اسلامی و البته دولت روحانی در شرایط فعلی پرداخت و آن را شرایط تعلیق در تعلیق نام‌گذاری کرد. او دولت را گیج و کرخت توصیف کرد. همچنین به وضعیت نقد اقتصادی که این روزها مد شده پرداخت و گفت توجه به نقد اقتصادی به تنهایی نوعی انحراف است. او درعین حال اعلام کرد که ما نقد جدی و اهل هزینه‌دادن نداریم یا به قول او آدم‌هایی که پای کار باشند؛ یعنی ترسند و هدفمند کار کنند.**

● **خرمشره یعنی در سال دوم به جنگ خاتمه دهیم. در مقاطع بعد نیز چنین امکانی مهیا بود اما جنگ را ادامه دادیم تا آنکه رسید به سال ۶۷ و پذیرش قطع‌نامه.**

● **با چه دلایلی تصمیم‌گیری‌ها این‌گونه شد و این‌گونه ماند؛ چرا به شرایط بی‌گزینه‌بودن رسیدهایم؟**

واقعیت این است که دولت جرئت تصمیم‌گیری ندارد، به‌همین دلیل همیشه می‌خواهد زمان بگذرد. در واقع به‌دنبال قضا و قدر است تا دری به تخته بخورد و شرایط طرف مقابل عوض شود؛ مثلاً، الان بعضی منتظرند دموکرات‌ها در کنگره رای بیاورند و ترامپ تضعیف شود، اما شاید این‌گونه نشد. بعضی دیگر منتظرند ترامپ رئیس‌جمهور یک‌دوره‌ای شود، اما شاید تا اینکه رئیس‌جمهور ماند. ما باید به عواملی که مربوط به خودمان است، چنگ بزنیم. البته این نخوه زندگی از خصیصه‌های ما ایرانیان است؛ ما تبتل و پرمدا هستیم. این وضعیت حتی در خردترین مسائل هم وجود دارد؛ مثلاً دختر یا خانوادهاش برای خواستگار

افاده می‌کنند، عیب و ایراد می‌گیرند و شروط عجیب می‌گذارند تا اینکه دختر ازدواج نمی‌کند، پیر می‌شود و در خانه می‌ماند. تصمیم‌های سیاسی ما از این جهت مانند مواج‌ها به خواستگار است؛ اگر به و قتش کار به سرانجام نرسید، دیگر فایده‌ای ندارد.

● **پس وضعیت تصمیم‌گیری در دولت ایران برآمده از خلایات ماست؟**
اساساً دولت ما ضعیف است و تنها بخشی از این ضعف در حوزه تصمیم‌گیری متجلی است.

● **آا راهی برای خارج‌کردن سیستم از وضعیت تعلیق و حرکت‌دادن آن به سمت کارآمدی وجود ندارد؟ در سیاست شرایط نیز وضعیت به همین منوال است: ابراهیم اسرافیلیان در خاطره‌ای درباره ماجرای مک‌فارلین گفت جمهوری اسلامی در آن مقطع چهار وزیر خارجه داشت؛ آن تجربه وجود دارد ولی اکنون نیز شاهد هستیم مانند دوره مک‌فارلین عمل می‌شود.**

گزینه‌ها این است که در شرایط کنونی، جایگاه‌ها مشخص نیست و هرکس خود را عقل کل می‌نامد، از طرفی، هرکس خود را به جایی وصل می‌داند. چندی پیش، متنی منتشر شد که تحلیل‌های فرمانده اسبق سپاه [محسن رضایی] پیرامون حمله آمریکا به عراق را دربر می‌گرفت؛ از قضا همه تحلیل‌ها غلط از آب درآمد بود. زمانی که چنین متنی منتشر می‌شود، مردم حق دارند از چگونگی مدیریت آقای رضایی در جنگ و جاهای دیگر بی‌رسند. چنان‌که می‌بینیم، ضعف‌ها به دولت و وزارت خارجه ختم نمی‌شود و اراده‌ای هم برای برطرف‌کردن آنها وجود ندارد.

● **ما در حکومت‌داری با یک معادله مواجه هستیم: یک طرف آن «لیاقت‌سالاری» و طرف دیگر آن «بقا» قرار دارد. هرچه لیاقت‌سالاری افزایش یابد، به بقای حکومت کمک می‌کند و طبعاً هرچه**

سیاست

سید جباریان در گفت‌وگو با «شرق»

روزنه

سرگذشت عبدالفتاح سلطانی

● عبدالفتاح سلطانی در دوران حرفه‌ای خود پرونده‌های پرسرصودی زیادی را قبول کرد و وکالت اشخاصی را برعهده گرفت که دفاع از آنها به‌ویژه در فضای سیاسی زمان خود، کار آسانی به نظر نمی‌رسید: «اکبر گنجی، زهرا کاظمی، هاله اسفندیاری، حبیب‌الله پیمان، علی افشاری، محمدجواد روح، علی‌اکبر موسوی‌خوینی، احمد شیرزاد، تقی رحمانی، فرید مدرسی، سعید مدنی، علیرضا رجایی، رضا علیجانی، مرتضی کاظمیان و عده زیادی از فعالان صنفی، دانشجویی، ملی- مذهبی، معلمان و روزنامه‌نگاران». این قسمتی است از گزارشش که «ایسنا» درباره «عبدالفتاح سلطانی» منتشر کرده است. بعد از هفت سال بالاخره با مرخصی عبدالفتاح سلطانی موافقت شد. آن هم برای حضور در مراسم درگذشت دختر جوانش. حالا «ایسنا» در گزارشی کارنامه این وکیل دادگستری را بررسی کرده است. در ادامه خلاصه‌ای از این گزارش را می‌خوانید: «سلطانی از اواخر دهه ۷۰ برای قبول پرونده‌های موصوف به «حقوق‌بشری» که خواهان‌خواه «سیاسی» قلمداد می‌شدند، شناخته شده بود. او در سال ۱۳۸۱ به همراه چند حقوق‌دان دیگر ازجمله محمد سیف‌زاده، محمدعلی دادخواه، شیرین عبادی و محمد شریف، نهادهای نام «کانون مدافعان حقوق بشر» را در تهران پایه‌گذاری کرد. فروردین سال ۸۱ عبدالفتاح سلطانی به دادسرای کارکنان «افترا و نشر اکاذیب» محاکمه شد. ماجرا از این قرار بود که عده‌ای از موکلان سلطانی در پرونده ملی-مذهبی‌ها ادعا کرده بودند که در جریان بازجویی‌ها ضرب‌وشتم شده‌اند و سلطانی به دلیل رسانه‌ای‌کردن این ادعا، متهم به نشر اکاذیب شده بود. کار به جایی رسید که در دومین جلسه محاکمه این وکیل دادگستری، متهمان ملی-مذهبی برای ادای شهادت و اثبات بی‌گناهی وکیل مدافع‌شان در دادگاه حاضر شدند؛ اما در نهایت، ۱۹ تیر ۸۱ قاضی حکم چهار ماه حبس تعلیقی و پنج سال محرومیت از وکالت را برای سلطانی صادر کرد. با درخواست تجدیدنظر، محرومیت پنج‌ساله از کار وکالت از حکم سلطانی پاک شد؛ اما بهمن ۸۱ سلطانی برای تحمل چهار ماه حبس به زندان اوین رفت. آن روزها بر‌خوردارهای قضائی و صدور احکام زندان برای وکلای مثل سلطانی، ناصر زرافشان (وکیل پرونده موسوم به «قتل‌های زنجیره‌ای») و محمدعلی دادخواه (وکیل پرونده اعضای نهضت آزادی) به موضوع داغ سیاسی بدل شده بود؛ تاجایی‌که هیئتی از سازمان ملل هم برای دیدار با این وکلای زندانی به تهران آمدند و در زندان اوین با آنان دیدار کردند. سلطانی ۱۶ اردیبهشت ۸۲ با پایان دوران محکومیت از زندان آزاد شد، دوباره کار وکالت را از سر گرفت و ضمن ادامه پرونده‌های قبلی‌اش پرونده چندین نفر از دانش‌جویانی را که با اتهامات سیاسی مواجه بودند، هم برعهده گرفت.

او وکیل روزنامه «پاس‌نو» می‌بود. شیرین عبادی به‌عنوان رئیس کانون مدافعان حقوق بشر، هفتم مرداد ۸۴ از صدور حکم جلب سلطانی خبر داد و گفت مأموران با دردت‌داشتن حکم، منزل این وکیل دادگستری را بازرسی کرده و پرونده‌های وکلاشت به همراه وسایل و مدارک شخصی او را برده‌اند. او فردای آن روز در نامه‌ای به رئیس دستگاه قضائی اعلام کرد در صحن کانون وکلا تخصص می‌کند تا معلوم شود کدام مرجع و با کدام اتهام، حکم جلب و بازرسی از منزل او را صادر کرده است و تا تعیین تکلیف از سوی «قاضی‌القضات» به تحصن خود ادامه می‌دهد. این تحصن فقط چند ساعت طول کشید و خیلی زود ماجرای این وکیل دادگستری تعیین تکلیف شد: «افرادی که ظاهراً مأمور بودند، به ساختمان کانون وکلا وارد شدند و ۱۰ دقیقه بعد او را تحت‌الحفظ از ساختمان بیرون آوردند و بر اتومبیلی سوار کرده و بردند... این افراد از جریان بازداشت سلطانی فیلم‌برداری می‌کردند و مشخص نشد که مأموران کجا بودند». ساعتی بعد دعوان کریمی‌راد، سخنگوی قوه قضائیه، ضمن ابراز بی‌اطلاعی از محل نگهداری سلطانی، درباره علت بازداشت او به خبرنگار ایسنا گفت: «او اسرار پرونده جاسوسان هسته‌ای را در داخل و خارج و با خانواده متهمان مطرح کرده است».

۲۴ مرداد ۸۴ سعید مرتضوی در این‌باره به خبرنگاران گفت: «دستگیری سلطانی با اعلام جرم وزارت اطلاعات و معاونت ضدجاسوسی وزارت اطلاعات انجام شد» و این وزارتخانه در گزارشی هفت‌صفحه‌ای استدلال کرده که سلطانی «جاسوس» است. ۲۲ دی ۸۴ حدود هفت ماه بعد از بازداشت سلطانی، دادگاه برای او وثیقه «سنگین» ۸۰۰ میلیون تومانی تعیین کرد؛ اما با پیگیری وکلا و مبلغ وثیقه به صد میلیون کاهش پیدا کرد و نهایتاً ۱۴ اسفند، سلطانی با تودیع وثیقه از زندان آزاد شد. ادامه در صفحه ۱۵

جناب وکیل عبدالفتاح سلطانی

اندوهتان اندوه همه ماست
روح همای عزیز قرین آرمش‌باد

نازنین سالاری—سعود احمدیان وکلای دادگستری

● **آیا کار به چه معناست؟**

یعنی اینکه اولاً ترسد و ثانیاً هدفمند کار کند. ما الان منتقدان نترس داریم؛ اما بی‌برنامه کار می‌کنند و فقط راجع به اشخاص صحبت می‌کنند؛ ولی باید به جای این کار پروژه تعریف کنند. اینهایی که مدام نق می‌زنند، می‌توانند سیایت افشاگر طراحی کنند و گزارش‌های مربوط به فساد را دروازه‌بانی و منتشر کنند؛ اما تن به چنین کاری نمی‌دهند. در اینجا باید نکته‌ای را هم اضافه کنم. اغلب مشاهده می‌شود «بسته‌های نقد» تعریف می‌شود؛ یعنی پروژه نقد و منتقد کم‌عمق هستند. باید توجه کرد که ممکن است افراد برای پُست‌های مختلف نظر داشته باشند؛ اما یک جا باید ایستاد و دست به انتخاب کیفی زد.

● **با توجه به فضای ترسیم‌شده در پرسش‌ها و پاسخ‌های پیشین، اکنون دو راه اصلی پیش‌روی اصلاح‌طلبان است؛ نقادی هدفمند یا حاشیه‌نشینی.**

● **آیا راه بدیلی متصور است؟**

برخی هم معتقدند باید راه خاتمی را ادامه داد؛

یعنی ماند و تاآنجاکه ممکن است، اصلاح کرد.

● **از دولت اصلاحات تا به امروز، ظرفیت قید «تاآنجاکه ممکن است» رفته‌رفته کم و کمتر شده است.**

من پیش‌تر گفته‌ام، باید به اقتضای شرایط قدم برداشت. اگر هر فردی بخواهد، بر کنش بی‌حاصلی به‌جای لیاقت‌سالاری نشاند و انتظار کارایی داشت؟ من یار کرد درباره بقای سیستم به عباس عبیدی گفتم، گویی به گردن دولت، مانند یک بچه «و ان یکاد» انداخته و در خیابان رهایش کرده‌ایم. شما افغانستان را نگاه کنید؛ طالبان بخش‌های زیادی را در اختیار دارد و دولت فقط مرکز را حفظ کرده و مابقی نقاط را رها کرده است.

● **حاصل به نظر شما اصلاح‌طلبان باید با دولت روحانی چگونه برخورد کنند؟**

من معتقدم می‌شود اصلاح‌طلبان بگویند دولت روحانی، دولت ما نیست؛ مشروط بر اینکه ذکر کنند دولت، متعلق به چه جریانی است. «هسته سخت اصلاحات» قدرت در تقدیر است؛ یعنی دولت پنهان اصلاح‌طلبان است. اگر این هسته شکل بگیرد، می‌توان مرزها را مشخص کرد و صراحتاً عنوان کرد که دولت در چه زمینی بازی می‌کند.

● **امروز دولت واقعاً در چه زمینی بازی می‌کند؟**

دولت کرخت و گیج است و در زمین اصلاحات بازی نمی‌کند.

● **با علم به این موضوع، وظیفه اصلاح‌طلبان در قبال دولت چیست؟**

باید به دولت نهیب بزنند. باید تذکر امام به رجایی را یادآور بشوند. امام در واکنش به نامه رجایی به میتران گفت: «این نامه پاسخ یک رئیس‌جمهور به رئیس‌جمهور دیگر نیست و شما شان ریاست‌جمهوری را رعایت نکرده‌اید». باید برای روحانی این وضعیت را تشریح کرد و گفت اگر همه موضع رادیکال گرفتند، رئیس‌جمهور باید عرف بین‌الملل را مراعات کند و رادیکال نشود.

● **با توجه به پیشینه روحانی، تغییر ادبیات او را باید چگونه تفسیر کرد؟**

تغییر ادبیات روحانی، مانند دلار جهانگیری است و کانون رئیس‌جمهور مدافعان حقوق بشر، هفتم مرداد ۸۴ از صدور حکم جلب سلطانی خبر داد و گفت مأموران با دردست‌داشتن حکم، منزل این وکیل دادگستری را بازرسی کرده و پرونده‌های وکلاشت به همراه وسایل و مدارک شخصی او را برده‌اند. او فردای آن روز در نامه‌ای به رئیس دستگاه قضائی اعلام کرد در صحن کانون وکلا

تخصص می‌کند تا معلوم شود کدام مرجع و با کدام اتهام، حکم جلب و بازرسی از منزل او را صادر کرده است و تا تعیین تکلیف از سوی «قاضی‌القضات» به تحصن خود ادامه می‌دهد. این تحصن فقط چند ساعت طول کشید و خیلی زود ماجرای این وکیل دادگستری تعیین تکلیف شد: «افرادی که ظاهراً مأمور بودند، به ساختمان کانون وکلا وارد شدند و ۱۰ دقیقه بعد او را تحت‌الحفظ از ساختمان بیرون آوردند و بر اتومبیلی سوار کرده و بردند... این افراد از جریان بازداشت سلطانی فیلم‌برداری می‌کردند و مشخص نشد که مأموران کجا بودند». ساعتی بعد دعوان کریمی‌راد، سخنگوی قوه قضائیه، ضمن ابراز بی‌اطلاعی از محل نگهداری سلطانی، درباره علت بازداشت او به خبرنگار ایسنا گفت: «او اسرار پرونده جاسوسان هسته‌ای را در داخل و خارج و با خانواده متهمان مطرح کرده است».

● **شاید با توجه به برخی تفسیرها بتوان به آن پرسش، پاسخ مثبت داد.**

بله، ممکن است بعضی به قاعده «العید و ما فی یده کان لمولاه» تمسک بجویند و بگویند مردم ایران موالی علی‌ه و در حکم عید هستند؛ بنابراین عوامل و حتی نفوس‌شان متعلق به دولت است و این‌گونه مسئله را حل کنند. من استقبال می‌کنم، فردی پیدا شود و برداشت از جیب مردم را توجیه شرعی کند.

● همه دارند اعتراض می‌کنند؛ همه به ستوه آمده‌اند».

همه اینها در حالی است که نقطه آغازین تجمعات نماز جمعه در باب‌الجواد به منظور حمایت از مواضع مراجع تقلید نیست به وضعیت اقتصادی مردم تجمیع کردند.

حجت‌الاسلام مصصام‌الدین قوامی، امام‌جمعه پردیسان قم، هم گفته بود: «از همه طالب انقلابی می‌خواهیم هر شهری هستیم مردم اعتراض کردند بروید داخلشان و با آنها شعار مانند حقوق‌های نجومی مناققان بایند شعارها را عوض کنند و راهپیمایی‌ها را مصادره کنند؛ همراه مردم باشید مردم با ما هستند. اعتراضات‌شان هم درست است. مگر شما اعتراض ندارید آنها هم دارند. این‌طور نیست که هرکسی اعتراض کرد ضدانقلاب است؛ پس ما هم داریم اعتراض می‌کنیم ضدانقلابیم؟ امام‌جمعه هم ضدانقلاب است، نعوذب‌الله رهبر هم ضدانقلاب است؛

همه دارند اعتراض می‌کنند؛ همه به ستوه آمده‌اند».

● **وضعیت تعلیق نقادی و فی‌المثل رفیق‌شدن نقادی اقتصادی، حاصل فشارهای بیرونی است یا به‌کم‌کردن نقادان مربوط می‌شود؟**

ما نقد جدی و اهل هزینه‌دادن نداریم. من ذیل هسته سخت، به دنبال آدم‌های به‌اصطلاح پای‌کار و پیگیر می‌گردم.

در پاسخ به فراخوان برخی ائمه جماعات

طلاب برای دومین بار در مشهد تجمع کردند

شرق: طلب مشهد برای دومین‌بار در هفته گذشته تجمع کردند. درحالی‌که امام‌جمعه پردیسان قم در روزهای گذشته از طلب انقلابی درخواست کرده بود به اعتراض مردمی بیبوندند، «تسنیم» هم گزارش داده است که تجمع مطالبه‌گرانه دانشجویان و طلاب انقلابی استان خراسان رضوی در مقابل دادگستری این استان برگزار شد. تسنیم گزارش داده که طلاب و دانشجویان حاضر در این تجمع خواستار این بودند که در زمینه برخی مسائل مانند حقوق‌های نجومی و برخورد با مدیران نجومی‌بگیر شفاف‌سازی لازم صورت بگیرد. حجت اسلام علم‌الهدی، امام‌جمعه مشهد، هم در خطبه‌های این هفته نماز جمعه در انتقاد از دولت گفته بود: «قتی اینها [دولت و مجلس] تماشاچی شدند، شما مردم باید به صحنه بیایید؛ نه آن‌جور که جاسوس‌های آمریکایی با فراخوان می‌خواهند تا از این فرصت استفاده کرده

شرق: طلب مشهد برای دومین‌بار در هفته گذشته تجمع کردند. درحالی‌که امام‌جمعه پردیسان قم در روزهای گذشته از طلب انقلابی درخواست کرده بود به اعتراض مردمی بیبوندند، «تسنیم» هم گزارش داده است که تجمع مطالبه‌گرانه دانشجویان و طلاب انقلابی استان خراسان رضوی در مقابل دادگستری این استان برگزار شد. تسنیم گزارش داده که طلاب و دانشجویان حاضر در این تجمع خواستار این بودند که در زمینه برخی مسائل مانند حقوق‌های نجومی و برخورد با مدیران نجومی‌بگیر شفاف‌سازی لازم صورت بگیرد. حجت اسلام علم‌الهدی، امام‌جمعه مشهد، هم در خطبه‌های این هفته نماز جمعه در انتقاد از دولت گفته بود: «قتی اینها [دولت و مجلس] تماشاچی شدند، شما مردم باید به صحنه بیایید؛ نه آن‌جور که جاسوس‌های آمریکایی با فراخوان می‌خواهند تا از این فرصت استفاده کرده